

فصلنامه علمی- پژوهشی علوم اجتماعی، دوره ۱۱، ویژه‌نامه پیشگیری از جرم و حقوق، زمستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۰۶

صص ۳۸۷ - ۴۱۳

مطالعه تطبیقی قرار نظارت قضایی در نظام دادرسی کیفری ایران و فرانسه

محمد صادق چاووشی^۱

۱- دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران.

چکیده

در حقوق فرانسه نظارت قضایی به عنوان یکی قرار جایگزین بازداشت موقت با قانون ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ با عنوان قانون تحکیم حقوق و آزادی‌های متهم وارد نظام کیفری فرانسه شد؛ این نوع قرار به عنوان تدابیر اصلی قلمداد می‌شود که در صورت عدم رعایت آن بازداشت موقت متهم را به همراه می‌آورد اما در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴/۳/۲ با رویکردی متفاوت، علاوه بر قرارهای تأمین، قرارهای جدیدی به نام «نظارت قضایی» نهادی تکمیلی و فرعی پیش‌بینی شده‌اند که می‌توانند به تنهایی یا به همراه قرار تأمین صادر گردند؛ صرف نظر از اینکه پیش‌بینی قرار نظارت قضایی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در کشور ما، اقدامی بسیار پسندیده و حرکتی در راستای نظارت بیشتر بر متهمان به منظور اصلاح و درمان و بازپروری آن‌ها محسوب می‌شود اما به نظر می‌رسد استنباط تکمیلی بودن از این قرار در کشور ما برعکس کشور فرانسه، این قرار را از کارکردهای اصلی اش آنگونه که در کشور فرانسه است دور ساخته است؛ زیرا زمانی که نظارت قضایی به عنوان تدبیری فرعی و تکمیلی قلمداد شود؛ نه تنها از هدف اصلی خود دور می‌شود بلکه بار مضاعفی بر دوش متهم خواهد بود که مغایر با حقوق انسانی او جلوه می‌کند؛ نگارنده در پرتو این مقاله

* نویسنده مسئول M.chavooshi@yahoo.com

با روش تحلیلی - توصیفی به واکاوی قرار نظارت قضایی از طریق مطالعه تطبیقی قانون آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه پرداخته که بستر اجرایی این تدبیر را در وریه قضایی تسهیل می‌نماید.

واژگان کلیدی: قرار تأمین، نظارت قضایی، بازداشت موقت، آیین دادرسی کیفری.

مقدمه

در قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۲ علاوه بر قرارهای تأمین، قرارهای جدیدی به نام «نظارت قضایی» پیش‌بینی شده‌اند که می‌توانند به تنهایی یا به همراه قرار تأمین صادر گردند. با دقت نظر به مواد ۲۱۷ و ۲۴۷ این قانون می‌توان دریافت که تدوین‌کنندگان قانون، آن را به صورت ابزاری تبعی و تکمیلی پیش‌بینی نموده‌اند که می‌تواند در کنار برخی از قرارهای تأمین کیفری از سوی مقام قضایی صادر شود، گرچه به موجب تبصره ۱ ماده ۲۴۷^۱ در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت مستقل بودن آن بیشتر تأمین گردیده است.

رویکرد اتخاذی تدوین‌کنندگان قانون، رویکردی خاص می‌باشد؛ در همین راستا در حال حاضر بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می‌توان اینگونه قرارهای نظارت قضایی را تعریف کرد: قرار تأمینی است که در غالب موارد به صورت فرعی و تکمیلی علاوه بر صدور قرار تأمین و در برخی به صورت اصلی و مستقل با تحمیل یک یا چند مورد از دستورهای پنجگانه متناسب با جرم ارتكابی، نسبت به متهم صادر می‌گردد. رویکرد نامتجانس قانون در مواردی چون دوگانه بودن، مستقل و تکمیلی بودن، آوردن قرارهایی با ماهیت نظارت قضایی ذیل قرارهای تأمین و عدم تأمین ویژگی جایگزینی بودن قرار نظارت قضایی باعث می‌شود تا آن که تعریف دیگری در خصوص این قرار پیشنهاد گردد: «قراری اصلی و جایگزین بازداشت موقت که با اعمال کنترل و نظارت بر متهمان از طریق تحدید حقوق و آزادی‌های آنان دستوراتی را بر آنان تحمیل می‌نمایند که ضمانت اجرای تخلف از آن‌ها بازداشت موقت می‌باشد.

قرار نظارت قضایی برای تکمیل اثر قرار تأمین کیفری و جلوگیری از ارتكاب جرم توسط متهم در قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۲۴۷ پیش‌بینی شده است. خاستگاه این نوع قرار در نظام دادرسی کیفری کشور فرانسه می‌باشد که به منظور کاهش قرار بازداشت موقت و به عنوان قرار جایگزین به وجود آمده است. (الله بداشتی، ۱۳۸۷: ۱۴۱) در برخی از کشورها، قرارهای نظارت قضایی

۱. تبصره ۱ ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، در صورت ارائه تضمین لازم برای جبران خسارات وارده، مقام قضایی می‌تواند فقط به صدور قرار نظارت قضایی اکتفاء کند.»

همان قرارهای تأمین غیر از بازداشت موقت هستند و هدف از پیش بینی آنها تنوع بخشیدن به قرارهای تأمین و افزایش گزینه‌های پیش روی بازپرس برای کاستن از موارد توسل به قرار بازداشت موقت است. (خالقی، ۱۳۹۴: ج ۱، ۲۷۴)

قرار نظارت قضایی برای تکمیل اثر قرار تأمین کیفری و جلوگیری از ارتکاب جرم توسط متهم در قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۲۴۷ پیش‌بینی شده است. خاستگاه این نوع قرار در نظام دادرسی کیفری کشور فرانسه می‌باشد که به منظور کاهش قرار بازداشت موقت و به عنوان قرار جایگزین به وجود آمده است؛ اصلی‌ترین تفاوت میان ماهیت و شکل قرار نظارت قضایی در ایران و فرانسه، اصلی و مستقل بودن آن در فرانسه و فرع و تکمیلی و بودن آن در ایران است؛ با این اوصاف نگارنده به تبیین این نهاد تازه تأسیس در قانون و تطبیق آن با نظام دادرسی کیفری فرانسه خواهد پرداخت.

۱. اهداف

کارکردها و موقعیت صدور قرار نظارت قضایی در نظام‌های دادرسی کیفری ایران و فرانسه در این قسمت نگارنده به تبیین اهداف؛ کارکردها و موقعیت صدور قرار نظارت قضایی با مطالعه در نظام دادرسی ایران و فرانسه خواهد پرداخت.

۱-۲. اهداف قرار نظارت قضایی

بر خلاف قرارهای تأمین که در صدر ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اهداف صدور آنها رو مقنن به صراحت ذکر کرده است، قانون درباره اهداف قرارهای نظارت قضایی ساکت است و با ملاحظه انواع این قرارها می‌توان گفت که قرارهای نظارت قضایی قرارهایی هستند که به منظور تکمیل تأثیر قرارهای تأمین و جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط متهم صادر می‌شوند. بنابراین، وقتی که برای جلوگیری از فرار متهم به خارج از کشور، قرار منع خروج او از کشور صادر می‌گردد (بند ۳ ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک)، هدف از این قرار تکمیل تأثیر قرار تأمین کیفری مثل وثیقه در تضمین دسترسی متهم است. یا هنگامی که در مورد شخص متهم به قتل غیر عمد ناشی از تصادف رانندگی بر اثر بی‌احتیاطی، قرار منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری (بند ب ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک) صادر می‌شود، هدف از این قرار جلوگیری از بی‌احتیاطی مجدد متهم در رانندگی با وسایل نقلیه و وقوع حادثه‌ای دیگر و ارتکاب مجدد جرم است. (خالقی، ۱۳۹۴: ج ۱، ۲۷۴)

با این اوصاف قرار نظارت قضایی، علاوه بر آن که از مبانی خاص خود برخوردار است اهداف ویژه خود را نیز دنبال می‌کند که می‌توان آن‌ها را اصلاح مجرمین و پیشگیری از وقوع جرایم دانست که این دو هدف در ذیل، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲-۱. اصلاح مجرم

در نسخه‌ای که به کمیسیون حقوقی مجلس ارائه شده بود اصلاح متهم به عنوان هدف و رسالت قرار نظارت قضایی مورد تصریح قرار گرفته بود و این در حالی است که در آخرین اصلاحیه لایحه مذکور و در قانون آیین دادرسی کیفری این هدف حذف شد اما با توجه به نوع دستورات موضوع قرار نظارت قضایی می‌توان این هدف را بر قرار مذکور مترتب دانست.

توضیح آن که در ماده ۲۴۷ قانون جدید به ویژه در بند الف آن «معرفی نوبه‌ای خود به مراکز یا نهادهای تعیین شده توسط بازپرس» مورد اشاره قرار گرفته است، که از این دستور به گونه‌ای می‌توان رویکرد اصلاحی تدوین‌کنندگان قانون را، آن هم از طریق فرستادن نوبه‌ای متهم به برخی مراکز اصلاحی دریافت. این تدبیر اصلاحی، اصلاح و درمان متهم را از طریق نظارت بر شخص متهم مورد هدف قرار داده است، مسلماً این قرار با جایگزینی قرار بازداشت موقت یا حداقل محدود نمودن زمینه اعمال آن را از طریق ممنوعیت روانه کردن شخص متهم به بازداشتگاه و مدرسه بزهکاری، او را در مسیر اصلاح قرار می‌دهد. از طرفی دیگر نیز با جمع این قرار با سایر قرارهای تأمین علاوه بر تضمین دسترسی متهم، رویکرد اصلاحی را با دیگر قرارهای تأمین عجین خواهد ساخت؛ نکته دیگر نیز این است که اصلاح متهم هدف کلی‌ای است که با ساز و کار پیشگیرانه این قرار نیز تقویت می‌شود که در قسمت بعد توضیح خواهد آمد.

۱-۲-۲. پیشگیری از وقوع جرم

علاوه بر اتخاذ رویکرد اصلاحی نسبت به متهم، آن هم با تحت نظارت قرار دادن وی، رویکرد دیگری که هدف صدور قرار نظارت قضایی می‌تواند قلمداد شود همانا رویکرد پیشگیرانه بودن این قرار است. هدف پیشگیرانه در این قرار تدبیری است که نهادهای نظام عدالت کیفری به منظور کاهش تکرار جرم از سوی مجرمین، روش‌ها و تعهداتی را بر آن‌ها بار می‌کنند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱:

مضافاً این که تدبیر اصلاح مدارانه قرار نظارت قضایی، که هدفی کلی قلمداد می‌شود خود از طریق اهداف دیگری همچون پیشگیری از تکرار جرم دنبال می‌شود. نکته دیگر این که هم تدابیر پیشگیرانه به گونه‌ای مورد توجه تدوین کنندگان قانون و قانونگذار فرانسوی قرار گرفته اند و با تحمیل تعهداتی ایجابی و سلبی نسبت به متهمان دنبال می‌شود. (یکه زارع، ۱۳۹۴: ۸۱)

تعهداتی که از این قرار متوجه شخص متهم می‌شود، خود با ایجاد محدودیت در آزادی شخص، به نوعی درصدد پیشگیری از تکرار جرم توسط مجرم است، این تعهدات که در ماده ۲۱۷ آمده‌اند، با صبغه تعهدات سلبی به طور ویژه هدف از پیشگیری از تکرار جرم را مدنظر دارند؛ چه آن که با توجه به نوع این تعهدات ناشی از این قرار، و با توجه به نوع جرایم ارتكابی، شخص را از آن وضعیت ارتكاب جرم دور ساخته و از این طریق در جهت پیشگیری از جرم برمی‌آیند. به عنوان مثال در بند (ب) ماده ۲۴۷ منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری که می‌تواند در جرایم ارتكابی ناشی از رانندگی بر متهم بار شود، یا در بند (پ) منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی، تدابیر پیشگیرانه بسیار بارزی به منظور پیشگیری از تکرار جرم قلمداد می‌شود. در بند (ت) نیز ممنوعیت نگهداری سلاح دارای مجوز می‌تواند به منظور پیشگیری از تکرار برخی جرایم مرتبط، مورد استفاده قرار گیرد.

هر چند قانون آیین دادرسی فرانسه در ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری؛ علت بکارگیری نظارت قضایی را «ضرورت‌های تحقیق یا کاربرد آن به عنوان تدابیر تأمینی» نامبرده است اما با توجه قانون آیین دادرسی ایران در ماده ۲۴۷ به طور ضمنی هدف از نظارت قضایی را «اصلاح و درمان متهم» قلمداد نموده است؛ بنابراین به طور کلی در حقوق کیفری ایران و فرانسه مبنا و هدف پیش بینی تدابیر نظارت قضایی را می‌توان در دو مقوله «پیشگیری و اصلاح» خلاصه نمود.

۳-۱. کارکردهای قرار نظارت قضایی

در این گفتار کارکردهای قرار نظارت قضایی را از سه دیدگاه حقوقی، جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی مورد بحث قرار خواهیم داد:

۳-۱-۱. کارکرد قرار نظارت قضایی از دیدگاه حقوقی

قرارهای نظارت قضایی، (بسته به تشخیص لزوم صدور آن توسط بازپرس)، پس از تفهیم اتهام به متهم و اصولاً همراه با قرارهای تأمین صادر می‌شوند. صدور قرارهای نظارت بدون قرار تأمین، جنبه استثنایی داشته و تنها در «جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، در صورت ارائه تضمین لازم برای جبران

خسارات واره»، امکانپذیر است. (خالقی، ۱۳۹۳: ۲۱۸) پس قرار نظارت قضایی به جز جرایم درجه هفت و هشت، در سایر جرایم در تکمیل با دیگر قرارهای تأمین صادر می‌شود.

نکته مهمی که بایستی تبیین شود این است که چنانچه مقام قضایی بخواهد قرار نظارت را در تکمیل دیگر قرارها صادر نماید، زمان این صدور چه زمانی باید باشد؟

بدیهی است که با توجه به قید موجود در صدر ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ یعنی «علاوه بر صدور قرار تأمین»، این قرار هنگامی صادر می‌شود که فرآیند صدور قرار تأمین به پایان رسیده باشد. به پایان رسیدن نیز مربوط به آن مرحله‌ای است که امکان اعتراض به آن قرار تأمین وجود نداشته باشد؛ این نظر نیز باعث می‌شود که به نوعی از متزلزل بودن و شدن قرار نظارت قضایی جلوگیری به عمل آید.

صدور تکمیلی قرار نظارت قضایی خود با دستوراتی همراه است که نسبت به متهم تحمیل می‌شوند. حال ممکن است سوال شود کدام یک از دستورات، با کدام یک از قرارهای تأمین کیفری قابل جمع هستند؟

در این باره باید اشاره کرد که ماهیت دستورات موضوع قرار نظارت قضایی به گونه‌ای هستند که نمی‌توان آن‌ها را بر شخصی که موضوع بازداشت موقت قرار گرفته است تحمیل نمود. بنابراین دستورات ذکر شده در متن قانون می‌توانند با هر یک از سایر قرارهای تأمین جمع شوند. مضافاً این که هر یک از پنج دستور ذکر شده، به تنهایی یا به همراه دستوراتی دیگر بر متهم بار شوند. بنابراین قرارهای نظارت قضایی نه تنها با قرارهای تأمین، بلکه با یکدیگر نیز قابل جمع بوده و می‌توانند متعدد باشند. (خالقی، ۱۳۹۳: ۲۱۸) از همین رو حالت‌های متعددی از جمع قرارهای تأمین با دستورات موضوع قرار نظارت قضایی قابل تصور است. در متن قانون هیچ منعی بر امکان جمع هر کدام از دستورها با هر یک از قرارهای تأمین وجود ندارد به علاوه این که ضابطه‌ای هم برای نحوه جمع این موارد با یکدیگر پیش‌بینی نشده است.

از جمله کارکردهای حقوقی قرار نظارت می‌توان به مجازات‌های جایگزین حبس اشاره کرد، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مجازات‌های جایگزین حبس، نسبت قوانین سابق توسعه یافته است. در این قانون با اشاره به برخی از جایگزین‌های سنتی از جمله تعلیق اجرای مجازات، نظام نیمه آزادی و آزادی مشروط در فصلی جدا مجازات‌های جایگزین حبس را با نمونه‌های چون دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان و... را در مواد ۶۴ الی ۸۷ پیش‌بینی نموده است.

بی شک منظور ما از جایگزین‌های حبس در اینجا آن دسته از تدابیری است که از صدور آن‌ها دستوراتی متوجه متهم می‌گردد و آن دستورات نیز با دستورات موضوع قرار نظارت قضایی شباهت دارند. با عنایت به قانون مجازات اسلامی از میان موارد متعدد جایگزین‌ها، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و دوره مراقبت و دستوراتی که برخاسته از آن‌هاست به قرار نظارت قضایی قرابت بیشتری دارند.

نکته حائز این است که چنانچه متهم یا محکوم احتمالی بداند که پایبندی وی به دستوراتی که نسبت به وی صادر شده‌اند می‌تواند او را در بهره‌مندی از نهادهای جایگزین حبس کمک نماید، بدون شک رغبت بیشتری برای پایبندی به این دستورات پیدا می‌کند. از همین رو مجال آن وجود دارد که تدوین‌کنندگان قانون، تبعیت شخص متهم را نه فقط در تخفیف مجازات وی بلکه در امکان بهره‌مند شدن از جایگزین‌های حبس پیش‌بینی کنند. از آن جایی که در قانون آیین دادرسی کیفری، پایبندی شخص متهم، به نوعی یکی از جهات تخفیف دانسته شده است، از طرف دیگر نیز با دقت در قانون مجازات اسلامی در خواهیم یافت که از جمله تعویق صدور حکم و مجازات‌های جایگزین حبس وجود جهات تخفیف می‌باشند بر همین اساس مقام قضایی به نوعی می‌تواند تبعیت متهم از دستورات موضوع قرار نظارت قضایی را مستمسکی قرار دهد تا حکم به این موارد بدهد.

۱-۳-۲. کارکرد قرار نظارت قضایی از دیدگاه جرم‌شناسی

اصلاح و باز اجتماعی کردن متهمان و بزه‌کاران، مرکز ثقل توجه قانونگذاران گردیده و تمام تلاش سیاستگذاران به گونه‌ای باز آوردن اشخاص متهم و مرتکب هنجارهای جنایی به دامن اجتماعی گشت. (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۳: ۱۷۸-۱۷۹)

بدین شکل جایگزین‌های بازداشت موقت و به تعبیری قرار نظارت قضایی در راستای نتایج وخیم ناشی از زندانی کردن متهمان و بزه‌کاران و زندان‌گرایی یا کسب فرهنگ زندان از یک سو و اندیشه مزبور، یعنی هم تأکید بر شخصیت متهم و هم اصلاح و درمان وی برای بازگشت به جامعه از سوی دیگر اتخاذ گردید چندان که این مسئله به ویژه با عنایت به ناکارآمدی زندان به ویژه حبس‌های کوتاه مدت در زمینه اصلاح و درمان بزه‌کاران و به لحاظ طرد و کنار گذاشتن مجرم از اجتماع در مقدمه توجیهی لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس کشورمان مورد تأکید قرار گرفته بود. (یکرنگی و ایرانمش، ۱۳۸۷: ۶۴)

جهت دوم از مبانی جرم‌شناسی همانا به مطالعات محیط زندان برمی‌گردد، مطالعاتی که به این نتیجه رسیده‌اند که این محیط (زندان) از جهاتی مختلف جرم زاست و به همین خاطر در جرم‌شناسی - های معاصر نظریه‌ای با عنوان فرهنگ‌پذیری از محیط و فضای زندان یا زندان‌گرایی مطرح شده که گونه‌های فرهنگ زندان را (رفتار، کلام، آداب و رسوم و...) که در طول اقامت در حبس در شخصیت و رفتار زندانیان تأثیر می‌گذارد در بر می‌گیرد. (غلامی، ۱۳۸۱: ۸۱) در همین راستا و در عنوانی کلی تر از نظریه‌های جرم‌شناسی، جرم‌شناسی‌های واکنش اجتماعی^۱ نیز با عطف توجه به نهادهایی که متولی مبارزه با جرم و کنترل جرم هستند به نقش نهادهایی چون زندان‌ها با تردید نگریستند و آن‌ها را به باد انتقاد گرفتند. این انتقاد گرچه واژه‌ای کلی است و تمام واکنش‌های جرم‌شناسی اجتماعی را در بر می‌گیرد ولی جرم‌شناسی انتقادی^۲ خود از رویکردهای این جرم‌شناسی‌هاست و ارتباط بیشتری با نقد زندان‌ها و معایب آن‌ها داشته که این امر در شاخه‌ای از جرم‌شناسی انتقادی یعنی جرم‌شناسی محکومین^۳ نمود بیشتری پیدا می‌کند. در این راستا، راس و ریچاردز از نظریه‌پردازان جرم‌شناسی محکومین اینگونه آورده‌اند که: «... زندان‌ها با هدف مجازات و جای دادن زندانیان در خود به وجود آمده‌اند و بازپروری دوباره زندانیان در آن جایی ندارند» (نیازپور، ۱۳۹۰: ۵۲) این در حالی است که اصلاح و بازپروری افراد از جمله اهداف قرارهای جایگزین بازداشت از جمله قرار نظارت قضایی است.

۴-۱. موقعیت صدور قرار نظارت قضایی

یکی از مواقع صدور قرار نظارت قضایی، در مرحله تحقیقات مقدماتی و در واقع، در مرحله دادسرا است. در نظام دادرسی کیفری کشور ما پس از انقلاب اسلامی نهاد دادسرا که با انقلاب مشروطه و با اقتباس از قوانین فرانسه وارد کشور ما شده بود حدود پانزده سال در مقابل کسانی که آن را مغایر اختیارات قضات محاکم و در پاره‌ای از موارد مغایر با موازین شرعی می‌دانستند مقاومت کرد و پس از الغای آن در سال ۱۳۷۳ و متعاقب بر یک تجزیه ناموفق، (احمدی موحد، ۱۳۸۰: ۱۲۵) به موجب قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۸۱، تقریباً با همان ساختار قبلی، مجدداً احیا و وارد تشکیلات قضایی جمهوری اسلامی ایران گردید. (آشوری، ۱۳۸۸: ۸۵)

۱. social reaction criminologies

۲. Critical criminology

۳. Convict criminology

دادسرا در حال حاضر به موجب ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نهادی است که: «به منظور کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات، حفظ حقوق عمومی و اقامه دعوی لازم در این مورد، اجرای احکام کیفری... تشکیل می‌شود.» از جمله مراحل مرتبط با تحقیقات مقدماتی، همانا اخذ تأمین از متهمان است.

ماده ۲۴۷ در راستای تبیین مقام صادرکننده قرار نظارت قضایی، از «بازپرس» یاد می‌کند که می‌تواند قرار نظارت قضایی را صادر کند. در صدور این قرار از سوی مقام قضایی و فارغ از بازپرس بودن یا نبودن او، توجه به متهم و ویژگی‌های وی ذیل رعایت اصل تناسب مورد نظر گرفته است. مطلبی که در مورد بازپرس باید اشاره کرد این است که صدور این قرار از سوی نیاز به تأیید از سوی مقام دیگر ندارد. این امر و لزوم یا عدم لزوم تأیید مقام دیگر در حالتی اهمیت پیدا می‌کند که مقام صادر کننده دادیار باشد. در مواردی که دادستان امر تحقیق را به دادیار ارجاع می‌دهد، «قرارهای نهایی دادیار و همچنین قرار تأمین منتهی به بازداشت»، باید به نظر و موافقت دادستان برسد. منظور از «قرارهای نهایی دادیار»، قرارهای منع تعقیب، موقوفی تعقیب، توقف تحقیقات و جلب دادرسی است.^۱ منظور از قرارهای تأمین منتهی به بازداشت نیز قرار بازداشت موقت، و نیز قرار کفالت یا وثیقه‌ای است که به لحاظ عجز متهم از معرفی و کیل یا وثیقه منجر به بازداشت متهم شده است (خالقی، ۱۳۹۳: ۹۶-۹۷)؛ این قرارها باید در همان روز صدور به نظر دادستان برسد و دادستان نیز مکلف است حداکثر ظرف ۲۴ ساعت در این باره اظهار نظر کند.^۲

با عنایت به این که ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ عبارت «قرارهای نهایی دادیار» را استعمال کرده است، امکان شمول قرار نظارت قضایی را از بین برده است، زیرا قرارهای نهایی قرارهایی هستند که محتوی آنها اظهار نظر در مورد اتهام متهم و دلایل آن و لزوم یا عدم لزوم ارسال پرونده به دادگاه جهت محاکمه متهم است. (خالقی، ۱۳۹۴: ج ۱، ۲۲۹) بر این اساس، چنانچه

۱. صدور قرار ترک تعقیب، قرار بایگانی پرونده و قرار تعلیق تعقیب حسب مورد از اختیارات دادستان یا قاضی است، این قرارها توسط

دادیار صادر نمی‌شود. (مستنبط از مواد ۷۹، ۸۰ و ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲)

۲. ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «تحقیقات مقدماتی تمام جرایم بر عهده بازپرس است. در غیر جرایم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون، در صورت نبودن بازپرس، دادستان نیز دارای تمام وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس تعیین شده است. در این حالت، چنانچه دادستان انجام تحقیقات مقدماتی را به دادیار ارجاع دهد، قرارهای نهایی دادیار و همچنین قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم، باید در همان روز صدور به نظر دادستان برسد و دادستان نیز مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت در این باره اظهار نظر کند.»

بازپرس و یا دادیار نسبت به صدور قرار نظارت قضایی اقدام کنند. این قرار نیازی به موافقت دادستان نداشته و پس از صدور قابل اعتراض در دادگاه صالح است. (فخارزاده، ۱۳۸۹: ۴۹)

در حقوق کیفری فرانسه تصمیم به نگهداری اشخاص، تحت نظارت قضایی، در راستای ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری «می‌تواند توسط هیأت تحقیقاتی بازپرسی یا قاضی آزادی‌ها و بازداشت دستور داده شود»؛ قاضی آزادی‌ها و بازداشت در صورتی بازداشت موقت را ضروری نداند؛ می‌تواند به نگهداری شخص، به صورت؛ تحت نظارت قضایی دستور دهد. (Guinchard, ۲۰۱۱, ۸۰۷)

۲. انواع قرارهای نظارت قضایی

قرارهای نظارت قضایی بر پنج نوع است که در ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده‌اند. این ماده مقرر می‌دارد: «بازپرس می‌تواند متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر صدور قرار تأمین، قرار نظارت قضایی را که شامل یک یا چند مورد از دستورهای زیر است، برای مدت معین صادر کند: الف- معرفی نوبه‌ای خود به مراکز یا نهادهای تعیین شده توسط بازپرس ب- منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری پ- منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی ت- ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز ث- ممنوعیت خروج از کشور.» بر طبق ماده ۲۵۰ قانون مذکور قرارهای نظارت قضایی باید مستدل و موجه بوده و هم چون قرارهای تأمین، اصل تناسب در مورد آن‌ها رعایت شود.

این اصل ایجاب می‌کند که در هر مورد قرارهای نظارت مبنی بر ممنوعیت، یعنی بندهای (ب)، (پ)، (ت)، (ث)، ارتباطی میان جرم ارتكابی و اقدام ممنوع وجود داشته باشد، مثلاً در مورد شخص مجاز به حمل سلاح شکاری که متهم به قتل عمدی با سلاح خود می‌باشد، مناسب است که قرار مذکور در بند (ت) ماده ۲۴۷ یعنی ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز صادر گردد. در مقابل، در مورد کسی که تنها شغل او مسافربری با خودروی شخصی است و متهم به ترک انفاق شده، صدور قرار مندرج در بند (ب) یعنی «منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری» قرار مناسبی به نظر نمی‌رسد. (خالقی، ۱۳۹۴: ج ۱، ۲۷۶)

الف. انواع قرارهای نظارت قضایی در ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری

فرانسه

۱. عدم خروج از محدوده‌های سرزمینی تعیین شده توسط هیات تحقیقاتی بازپرسی یا قاضی آزادی‌های و بازداشت.
۲. عدم غیبت از اقامتگاه یا محل سکونت، جز با شرایط و علل تعیین شده توسط مقام قضایی.
۳. عدم رفت و آمد به برخی مکان‌ها یا فقط رفت و آمد به مکان‌های تعیین شده توسط مقام قضایی.
۴. مطلع نمودن مقامات قضایی از هرگونه تردد و جابه‌جایی در خارج از محدوده‌های تعیین شده.
۵. حضور دوره‌ای نزد واحدها، نهادها یا مقامات منتخب مرجع قضایی.
۶. پاسخگویی به دعوت واحدها، نهادها یا مقامات منتخب مرجع قضایی و تبعیت از تدابیر نظارتی مربوط به فعالیت‌های حرفه‌ای یا پشت کار در آموزش و تدابیر اجتماعی - آموزشی به منظور تسهیل بازپروری اجتماعی و پیشگیری از تکرار جرم.
۷. تحویل کلیه مدارک هویتی و شناسایی به مرجع قضایی یا واحد پلیس.
۸. خودداری از رانندگی و تحویل گواهینامه.
۹. خودداری از پذیرفتن یا ملاقات با برخی از اشخاص تعیین شده توسط مقام قضایی و خودداری از ارتباط با آنها از هر طریق.
۱۰. تبعیت از تدابیر مربوط به معاینه، درمان یا مراقبت و بستری شدن در بیمارستان به منظور ترک اعتیاد.
۱۱. تهیه وثیقه مالی.
۱۲. نپرداختن به برخی فعالیت‌های حرفه‌ای یا اجتماعی، هنگامی که جرم در انجام یا به مناسبت انجام این فعالیت‌ها ارتکاب یافته است و زمانی که این ظن وجود دارد که جرم جدیدی ارتکاب یابد.
۱۳. عدم صدور چک و تحویل دسته چک به مرجع قضایی.
۱۴. عدم نگهداری یا حمل اسلحه و تحویل آن به مرجع قضایی.
۱۵. دادن تأمین و تضمین شخصی یا مالی برای یک مدت یا یک دوره با مبلغ تعیین شده توسط مرجع قضایی.
۱۶. توجیه شرکت در وظایف خانوادگی و پرداخت نفقه‌ی همسر و فرزندان.
۱۷. حضور در محل اقامتگاه همسر یا شریک زندگی.

ب. انواع قراردادهای نظارت قضایی در ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایران

۱. معرفی نوبه‌ای خود به مراکز یا نهادهای تعیین شده توسط بازپرس
 ۲. منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری
 ۳. منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی
 ۴. ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز
 ۵. ممنوعیت خروج از کشور
- قراردادهای نظارت قضایی پیش بینی شده در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود، که عبارتند از قراردادهای واجد تکالیف ایجابی و قراردادهای واجد تکالیف سلبی که به تفکیک آن‌ها را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

۲-۱. قراردادهای واجد تکالیف ایجابی

ابتدا باید متذکر شد تعهدات ایجابی به آن دسته از تعهداتی گفته می‌شوند که مقام قضایی در صدور آن‌ها انجام افعال یا تکالیفی را بر شخص متهم تحمیل می‌نماید و از رهگذر تکالیف بار شده بر وی شخص مکلف به انجام اقداماتی می‌گردد.

معرفی نوبه‌ای خود به مراکز یا نهادهای تعیین شده توسط بازپرس: در قرار اول، هدف از ایجاد، این احساس در متهم است که استمرار حضور او در در حوزه قضایی و حفظ دسترسی به او توسط مقام قضایی، تحت کنترل قرار دارد و عدم معرفی خود به مرکز یا نهاد تعیین شده، می‌تواند دلالت بر احتمال عدم حضور در وقت احضار داشته باشد. شبیه این قرار، در بند (ث) ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری نیز قرار به عنوان یک قرار تأمین پیش بینی شده است، ولی تفاوت این دو قرار این است که در این جا محل مراجعه و معرفی متهم محدود به مرجع «قضایی یا انتظامی» نیست، نوبت‌های مراجعه در قانون تعیین نشده و وجه التزام نیز برای فرار تعیین نمی‌گردد. (خالقی، ۱۳۹۴: ج ۱، ۲۷۶)

به نظر می‌رسد چنانچه مقام قضایی بخواهد این تعهد ایجابی را با این قرار، همزمان صادر کند آنچه تجلی بیشتری خواهد داشت همانا قرار تأمین کیفری است و نه تعهد ایجابی ذیل قرار نظارت قضایی. به هر حال نتیجه‌ای که از لزوم یا عدم لزوم تکمیلی بودن حاصل می‌شود به نوعی توجیه گر ضعیف یا قوت چنین تدبیری است. نکته دوم در خصوص این تعهد همانا به محدود نمودن و به تعبیر دقیق‌تر، چارچوب‌دار کردن اختیار مقام قضایی در صدور این تعهد نسبت به متهم است، بدین معنا که با توجه

به ماده ۲۵۲ مبنی بر تدوین آیین‌نامه‌ای در خصوص شیوه اجرای قرار نظارت، هر چه سریعتر این امر مشخص گردد تا از سوء استفاده مقام قضایی و با تعیین دستورهای اشتباه اجتناب شود.

تعهدات ایجابی در نظام کیفری فرانسه در قالب فعل و انجام برخی تکالیف مانند؛ ایجاد تدابیر و اقدامات احتیاطی برای تضمین حقوق بزه‌دیدگان توسط اشخاص حقوقی (بند ب ماده ۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه) تبعیت از تدابیر مربوط به معاینه، درمان و بستری شدن در بیمارستان به منظور ترک اعتیاد (بند ۷ ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه)؛ حضور دوره‌ای نزد واحدها یا مقامات منتخب مراجع قضایی (بند ۵ ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه)؛ مطلع نمودن مقامات قضایی از هرگونه تردد و جابه‌جایی در خارج از محدوده‌های تعیین شده (بند ۴ ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه)؛ پاسخگویی به دعوت واحدها، نهادها یا مقامات منتخب مرجع قضایی و تبعیت از تدابیر نظارتی مربوط به فعالیت‌های حرفه‌ای یا پشت کار در آموزش و تدابیر اجتماعی - آموزشی به منظور تسهیل بازپروری اجتماعی و پیشگیری از تکرار جرم (بند ۶ ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه)؛ تحویل کلیه مدارک هویتی و شناسایی به مرجع قضایی یا واحد پلیس (بند ۷ ماده ۷ فوق)؛ تهیه ی وثیقه‌ی مالی (بند ۱۱ ماده ۷ فوق و بند ۱ ماده ۴۵-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه) یا دادن تأمین و تضمین شخصی یا مالی برای یک مدت یا یک دوره با مبلغ تعیین شده توسط مرجع قضایی (بند ۱۵ ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه)؛ توجیه شرکت در وظایف خانوادگی و پرداخت نفقه ی همسر و فرزندان. (بند ۱۶ ماده ۷ فوق).

۲-۲. قرارهای واجد تکالیف سلبی

دسته دوم از تعهداتی که بر متهم ممکن است اعمال گردند همانا تعهداتی هستند که در قالب الزام اشخاص متهم به ترک فعل و خودداری از انجام برخی از اعمال و فعالیت‌ها و نیز محرومیت از برخی از حقوق می‌باشد که از جمله می‌توان به عدم انجام فعالیت‌هایی که با جرم ارتكابی مرتبط بوده یا عدم رانندگی اشاره نمود.

۲-۲-۱. منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری

در این قرار می‌توان گفت که با توجه به وحدت ملاک ماده ۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، این امر مستلزم ابطال گواهینامه و ممنوعیت از درخواست مجدد است و حال باید منتظر ماند و دید که در آیین‌نامه مورد اشاره، نحوه اجرای این قرار چگونه پیش‌بینی میشود.

در مورد این موضوع سوالی از اداره حقوقی قوه قضائیه پرسیده مبنی بر این که: «آیا با لحاظ ماده ۳۱^۱ به بعد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در صورتی که دادگاه فقط منع از رانندگی وسیله نقلیه موتوری صادر کرده باشد اجرای احکام می‌تواند ابطال گواهینامه و ممنوعیت از درخواست مجدد را به مرجع مربوطه راهنمایی و رانندگی اعلام کند یا موضوع از مواردی است که دادگاه مکلف است آن را در رأی خود قید نماید و برای اصلاح رأی پرونده به دادگاه صادرکننده اعاده نماید؟» اداره حقوقی نیز در نظریه ۷/۹۲۱ مورخ ۹۲/۵/۲۲ چنین پاسخ داده است: «هر چند صدور حکم از سوی دادگاه مبنی بر منع از رانندگی به لحاظ وسعت دامنه شمول، در بردارنده ابطال گواهینامه و ممنوعیت از درخواست مجدد نیز می‌باشد، لکن با التفات به صراحت مواد ۳۱ به بعد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که منع از رانندگی را مستلزم ابطال گواهینامه و ممنوعیت از درخواست مجدد در طول یک دوره معین دانسته است، به موجب آن قاضی مکلف است علاوه بر قید منع از رانندگی در حکم صادره، ابطال گواهینامه و ممنوعیت از درخواست مجدد را نیز در مدت معین صراحتاً قید نماید. بدیهی است در صورت عدم قید موارد مذکور به شرح فوق در حکم صادره، اجرای احکام باید پرونده را جهت اصلاح رأی به دادگاه صادرکننده حکم ارسال نماید و خود نمی‌تواند مسأله ابطال گواهینامه و ممنوعیت از درخواست مجدد را به اداره راهنمایی و رانندگی اعلام کند.» (شمس ناتری و دیگران، ۱۳۹۲: ج ۱، ۱۱۲)

خودداری از رانندگی و تحویل گواهینامه در تعهدات سلبی قرار نظارت در قانون آیین دادرسی کیفری در بند ۱۲ ماده ۱۳۸ مقرر شده است.

۲-۲-۲. منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی

در مورد این قرار می‌توان با استفاده از وحدت ملاک ماده ۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و بند ۱۲ ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه گفت که این امر مستلزم لغو جواز کار یا پروانه کسب، حرفه یا کار است. در این مورد نیز باید منتظر ماند و دید که در آیین‌نامه مذکور، نحوه اجرای این قرار چگونه پیش‌بینی می‌شود. (خالقی، ۱۳۹۴: ج ۱، ۲۷۶)

نکته‌ای که در رابطه با این تعهد قابل اشاره می‌باشد این است که تدوین‌کنندگان قانون گرچه منع صدور چک را از عداد تعهدات قرار نظارت قضایی خارج نموده‌اند ولی بنا به ماهیت این بند و در آن

۱. ماده ۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «منع از رانندگی و تصدی وسیله نقلیه موتوری مستلزم ابطال گواهینامه و ممنوعیت از درخواست مجدد است.»

دسته از جرایمی که به وسیله صدور چک ارتکاب پیدا می‌کنند میتوان از این تعهد نیز استفاده نمود و به نحوی از ایراد وارد بر حذف آن دستور کاست.

۲-۲-۳. ممنوعیت نگهداری سلاح دارای مجوز

تعهد سلبی دیگر، توسل به ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز است که ماده ۲۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مورد آن تعیین تکلیف نموده و مقرر داشته است: «در صورت صدور قرار ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز، سلاح و پروانه مربوط اخذ و به یکی از محل‌های مجاز نگهداری سلاح تحویل می‌شود و بازپرس مراتب را به مرجع صادرکننده پروانه اعلام می‌کند.» پس طبعاً آیین‌نامه رییس قوه قضاییه که قرار است بعداً به تصویب برسد، نمی‌تواند خلاف ترتیب فوق را مقرر نماید؛ همچنین عدم نگهداری حمل سلاح و تحویل آن به مراجع قضایی در بند ۱۳ ماده ۱۳۸ و بند ج ماده ۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مقرر شده است.

نکته‌ای که در رابطه با این قرار قابل ذکر است، همانا عبارت «دارای مجوز» مرتبط است. به نظر می‌رسد این عبارت زاید باشد چون که داشتن سلاح و نگهداری آن در صورت عدم مجوز در همه حال و احوال ممنوع بوده و امری بدیهی در نظام‌های عدالت کیفری است. (الهی منش، ۱۳۹۰: ۳۳۷)

۲-۲-۴. ممنوعیت خروج از کشور

در آخرین تعهد سلبی تدوین‌کنندگان قانون به ممنوعیت خروج از کشور اشاره کرده‌اند. قانونگذار فرانسه نیز چنین قراری را ذیل قرار نظارت قضایی با عنوان عدم خروج از محدوده‌های سرزمینی تعیین شده توسط مقام قضایی در بند ۱ ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی نموده است. (یکه زارع، ۱۳۹۴: ۷۵)

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، دو نوع دستور منع خروج از کشور نسبت به متهم پیش‌بینی شده است، یکی قبل از دسترسی به متهم و دیگری بعد از دسترسی به وی.

قبل از دسترسی به متهم، یعنی وقتی که وی نه شخصاً و نه از طریق جلب توسط مأموران نزد بازپرس حضور نیافته است، با توجه به اهمیت و ادله وقوع جرم، به استناد ماده ۱۸۸^۱ قانون مذکور

۱. ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «تا هنگامی که به متهم دسترسی حاصل نشده، بازپرس می‌تواند با توجه به اهمیت و ادله وقوع جرم، دستور منع خروج او را از کشور صادر کند. مدت اعتبار این دستور، شش ماه و قابل تمدید است. در صورت حضور متهم در بازپرسی و یا صدور قرار موقوفی، ترک و یا منع تعقیب، ممنوعیت خروج منتفی و مراتب بلافاصله به مراجع مربوط اطلاع

امکان ممنوع الخروج ساختن وی وجود دارد. در این حال، این اقدام برای تسهیل امکان دستیابی به اوست. چنین تضمینی، که قانونگذار آن را «دستور» نامیده نه قرار، به متهم ابلاغ نمی‌شود و قابل اعتراض هم شناخته نشده است.^۲ بنابراین، در این فرض، متهم نمی‌تواند بدون حاضر شدن نزد بازپرس، به وسیله ارسال لایحه یا از طریق وکیل خود، به قرار مزبور اعتراض کند. اما، این ممنوعیت که از ابتدا هم مدت اعتبار آن محدود به شش ماه است، با حاضر شدن متهم نزد بازپرس^۳ (اعم از اختیاری یا از طریق جلب) یا صدور قرار موقوفی تعقیب، ترک منع تعقیب، مرتفع می‌شود.

نوع دوم دستور منع خروج متهم از کشور، پس از دسترسی به وی و در واقع به منظور حفظ دسترسی به اوست که در قالب صدور قرار به نام قرار نظارت قضایی در بند (ث) ماده ۲۴۷ پیش‌بینی شده است. این قرار باید به متهم ابلاغ شود و متهم حق اعتراض به آن را دارد. (خالقی، ۱۳۹۳: ۱۵۰-۱۵۱)

در صورت تصمیم به منع خروج متهم از کشور، رعایت ماده ۲۹۲^۱ قانون مذکور لازم است. ماده ۲۴۸ هم در تبیین جزئیات این تعهد مقرر داشته است که: «مدت اعتبار قرار منع خروج از کشور شش ماه و قابل تمدید است. در صورتی که مدت مندرج در دستور منع خروج منقضی شود، این دستور خود به خود منتفی است و مراجع مربوط نمی‌توانند مانع از خروج شوند»، معنای ساده عبارت «این دستور خود به خود منتفی است و مراجع مربوط نمیتوانند مانع از خروج شوند»، عدم نیاز به دستور مجدد مقام قضایی برای رفع ممنوعیت خروج، پس از انقضای مدت شش ماهه مذکور است.

داده می‌شود. در صورتی که مدت مندرج در دستور منع خروج منقضی شود این دستور خود به خود منتفی است و مراجع مربوط نمی‌توانند مانع از خروج شوند.»

۲. البته گرچه هیأت عمومی دیوانعالی کشور در قسمتی از رأی وحدت رویه شماره ۶۴۰ مورخ ۷۸/۸/۱۸ به عنوان یک قاعده کلی اعلام داشته که: «... اصل بر قابل اعتراض بودن قرارهایی است که اصدار آن‌ها موجبات اضرار به حقوق اصحاب دعوی را فراهم می‌سازد...»، اما با توجه به فرائی که در متن آمده، به نظر می‌رسد که اصل مزبور در مورد قرار منع خروج از کشور قبل از دسترسی به متهم، تخصیص خورده است.

۳. اشاره به بازپرس به دلیل این است که قرار مزبور معمولاً در دادسرا صادر می‌شود، ولی در صورت ارسال پرونده به دادگاه یا طرح اولیه و مستقیم آن در دادگاه نیز، حضور متهم نزد قاضی دادگاه هم سبب انشاء قرار منع خروج از کشور می‌شود.

۱. ماده ۲۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «کلیه مراجع قضایی مکلفند در موارد قانونی پس از اتخاذ تصمیم بر ممنوعیت خروج اشخاص از کشور، مراتب را به دادستانی کل کشور ارسال دارند تا از آن طریق به مراجع ذیربط اعلام گردد.» تبصره: «ادستان کل کشور در موارد انقضای مدت قانونی ممنوعیت خروج از کشور اشخاص و عدم تمدید آن توسط مراجع مربوط، نسبت به رفع ممنوعیت خروج اقدام می‌کند.»

تعهدات سلبی در نظام کیفری فرانسه عبارتند از: عدم غیبت از اقامت گاه یا محل سکونت، جز با شرایط و علل تعیین شده توسط مقام قضایی (بند ۲ ماده ی ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه) ۳- عدم رفت و آمد به برخی مکان‌ها یا فقط رفت و آمد به مکان‌های تعیین شده توسط مقام قضایی (بند ۳ ماده ی فوق) خودداری از رانندگی و تحویل گواهینامه (بند ۸ ماده ی فوق) خودداری از پذیرفتن یا ملاقات با برخی از اشخاص تعیین شده توسط مقام قضایی و خودداری از ارتباط با آنها از هر طریق. (بند ۹ ماده ی فوق) نپرداختن به برخی فعالیت‌های حرفه‌ای یا اجتماعی، هنگامی که جرم در انجام یا به مناسبت انجام این فعالیت‌ها ارتکاب یافته است و زمانی که این ظن وجود دارد که جرم جدیدی ارتکاب یابد. (بند ۱۲ ماده ی فوق) عدم صدور چک و تحویل دسته چک به مرجع قضایی (بند ۱۳ ماده ی ۱۳۸ و بند ج ماده ی ۴۵-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه)؛ عدم نگهداری یا حمل اسلحه و تحویل آن به مرجع قضایی (بند ۱۴ ماده ی قانون دادرسی کیفری فرانسه).

۳. ویژگی‌های قرار نظارت قضایی

در این مبحث به تبیین ویژگی‌های قرار نظارت قضایی می‌پردازیم. این ویژگی‌ها را می‌توان شامل قابل تشدید بودن یا تخفیف بودن و قابل تجدید نظر یا قطعی بودن دانست و مورد بررسی قرار داد.

۳-۱. قابل تشدید بودن یا تخفیف بودن

ماده ۲۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقرر نموده است که: «هرگاه متهم از اجرای قرار نظارت قضایی که توأم با قرار تأمین صادر شده است، تخلف کند، قرار نظارت لغو و قرار تأمین، تشدید می‌شود و در صورت تخلف متهم از اجرای قرار نظارت مستقل، قرار صادره به قرار تأمین متناسب تبدیل می‌گردد. مفاد این ماده در حین صدور قرار نظارت قضایی به متهم، تفهیم می‌شود.»

تبصره ماده ۲۵۴: «در اجرای این ماده نمی‌توان قرار صادره را به قرار بازداشت موقت تبدیل کرد.» مطابق با قسمت آخر ماده ۲۵۴ تفهیم امکان لغو و یا تشدید یا لغو و تبدیل در این ماده تکلیف مقام قضایی قرار داده شده است. ابهامی که در همین راستا و در واژه «تشدید» وجود دارد این است که آیا تبصره این ماده نیز مشمول تشدید می‌گردد یا خیر؟ بدین توضیح که چنانچه مقام قضایی بخواهد با لغو قرار نظارت، اقدام به تشدید قرار توأم کند، آیا می‌تواند در مقام تشدید، قرار تأمین سابق را به قرار

بازداشت موقت تبدیل کند، یا این که این تبصره فقط ناظر به قسمت دوم ماده، یعنی قرار نظارت مستقل است؟

بر اساس این قانون و متن مواد، دو استدلال قابل طرح است. استدلال اول این است که تبصره ناظر به قسمت دوم ماده است و چنانچه قرار نظارت قضایی مستقل باشد، مقام قضایی نمی‌تواند قرار بازداشت صادر کند.

بدین دلیل که اولاً جرایم موضوع صدور این قرار جرایمی خفیف بوده و این که لفظ «قرار صادره» هم در تبصره و هم در قسمت دوم ماده مشترک است. مضافاً این که فقط در قسمت دوم سخن از «تبدیل» قرار آمده؛ امری که موضوع تبصره می‌باشد. استدلال دوم نیز آن است که تبصره ناظر به تمام ماده است، زیرا در ابتدای تبصره از واژه «در اجرای این ماده» استفاده شده و دلیل دیگر نیز استثنایی بودن توسل به بازداشت موقت است که هم در ماده ۲۳۷ قانون و هم مبنای پیش‌بینی قرار نظارت قضایی بر آن مبتنی است.

از میان این دو استدلال، گرچه شاید استدلال اول بازداشت موقت با نص ماده تطابق بیشتری داشته باشد ولی استدلال دوم پذیرفتنی‌تر می‌نماید. (گلدوست جویباری، ۱۳۹۶: ۵۵) البته قابل پذیرش بودن این استدلال خود با نمونه‌هایی همراه است که بایستی برای آن‌ها پاسخی پیدا کرد به عنوان مثال چنانچه در پرونده‌ای قرار نظارت قضایی به همراه قرار وثیقه صادر شده بود، آیا در این صورت مقام قضایی برای تشدید این قرار به کدام قرار شدیدتر به جز قرار بازداشت موقت می‌تواند استناد کند به بیانی دیگر بایستی این نکته را در قالب سوالی کلی مطرح نمود و آن این که آیا قرار نظارت قضایی ممکن است به قرار بازداشت ختم شود؟ که با پذیرش این استدلال و همچنین با توجه به عدم تصریح در قسمت بازداشت موقت پاسخ سوال این است که بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قرار نظارت قضایی هیچگاه به قرار بازداشت موقت منتهی نمی‌شود.

سیاست تدوین‌کنندگان قانون در جهت لغو، تشدید و تبدیل به طور کلی مقبول است، زیرا در مرحله تحقیقات مقدماتی آن چه اقتضا دارد همانا برخورد قاطع از طرفی و سریع بودن فرآیند از طرفی دیگر می‌باشد. اما این رویکرد می‌بایست موارد متعددی ممکن است شخص ناخواسته و با عذری موجه از آن دستورات تخلف کند و با وجود این تخلف، کماکان آن قرار نظارت برای وی متناسب‌ترین قرار باشد. در همین راستا و به اعتقاد برخی از حقوق‌دانان فرانسوی، «به نظر می‌رسد که ضمانت اجرا در مورد قوه قاهره، بی توجهی و غفلت، قابل اجرا نبوده و فقط در صورت سوء اراده و یا قصد فرار (حتی

بدون نقشه گمراه کردن عدالت) از انجام تعهداتی باشد که به وی تحمیل شده است (استفانی، ۱۳۷۸: ج ۲، ۸۳۷).

در صورت تخلف متهم از اجرای قرار نظارت مستقل، تبدیل قرار نظارت به قرار تأمین، تشدید تأمین محسوب نمی‌شود (چون تأمینی نبوده که تشدید شود) تا قابل اعتراض باشد. در مقابل، اگر متهم از اجرای قرار نظارت قضایی که توأم با قرار تأمین صادر شده است تخلف کند، تشدید تأمین توسط بازپرس به تقاضای متهم قابل اعتراض است (بند «ب» ماده ۲۷۰). در این حال، اجباری بودن تشدید تأمین و نقش تخلف متهم در این امر، سالب حق اعتراضی که به موجب ماده ۲۷۰ به او داده شده، نیست. (خالقی، ۱۳۹۴: ج ۱، ۲۲۵)

در حقوق کیفری فرانسه در جریان تحقیقات مقدماتی بازپرس برای تعدیل و اصلاح قرار نظارت قضایی اختیار دارد و همواره می‌تواند در تعهدات و تکالیف متهم تحت قرار تغییر ایجاد نماید (ماده ۱۳۹ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه).

۳-۲. قابل تجدیدنظر بودن یا نبودن

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قرار نظارت قضایی قرار قابل اعتراض در نظر گرفته شده است. زیرا موضوع قرار نظارت قضایی، حقوق و آزادی‌های متهمان است که با صدور این قرار، الزامات برخاسته از آن منجر به تحدید حقوق وی می‌شوند.

تبصره ۲ ماده ۲۴۷ قانون مذکور مقرر می‌دارد: «قرارهای موضوع این ماده ظرف ده روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. چنانچه این قرار توسط دادگاه صادر شود، ظرف ده روز، قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان می‌باشد.» نتیجتاً همه قرارهای نظارت قضایی ظرف ده روز قابل اعتراض هستند. اگر بازپرس این قرار را صادر کند، مرجع رسیدگی به اعتراض، دادگاه صالح به رسیدگی به اصل اتهام (ماده ۲۷۱ ق.آ.د.ک) و اگر دادگاه چنین قرار صادر نماید، مرجع رسیدگی به اعتراض، دادگاه تجدیدنظر استان است. (خالقی، ۱۳۹۴: ج ۱، ۲۷۷)

حال سوالی که مطرح می‌شود این است که حق اعتراض برای چه کسی متصور است؟ قانون آیین دادرسی کیفری صراحتی بر این امر ندارد و در ماده ۲۷۰ قانون که قرارهای قابل اعتراض بازپرس را بر شمرده است، در این صورت حق اعتراض برای وی قابل تصور است و شاید نیز بتوان گفت که حق اعتراض فقط برای متهم است و مدعی خصوصی و دادستان نمیتوانند در این خصوص درخواستی داشته باشند. شاهد این نظر را می‌توان در قرار بازداشت موقت دید که هم در ماده ۲۷۰ و هم در بند

(ن) ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اصلاحی ۱۳۸۱، با توجه به این که قرار بازداشت موقت فقط شخص متهم را متضرر می‌سازد، فقط برای وی این حق پیش‌بینی شده است. البته موید این برداشت نیز می‌تواند رأی وحدت رویه شماره ۶۴۰ مورخ ۱۳۷۸/۸/۱۸ باشد که در آن تأکید شده است که: «اصل بر قابل اعتراض بودن قراردایی است که اصدار آن‌ها موجب اضرار به حقوق اصحاب دعوی را فراهم می‌سازد.»

در حقوق کیفری فرانسه مرجع تجدیدنظرخواهی از قراردادهای بازپرس یا قاضی آزادی‌ها و بازداشت، شعب تحقیق است؛ این مرجع یک شعبه اختصاصی دادگاه تجدیدنظر محسوب می‌شود. (Delmas Marty, ۲۰۱۳, ۲۱۷)

۴. ملاک‌های صدور قرار نظارت قضایی

ملاک‌های صدور قرار نظارت قضایی را می‌توان اتهام منتسب به متهم، شخص متهم و مجازات جرم ارتكابی دانست و براساس آن‌ها بازپرس اقدام به صدور قرار نظارت قضایی متناسب نموده که در ذیل موارد بررسی می‌کنیم.

حین صدور قرار نظارت قضایی بازپرس با توجه به اتهام وارده و همچنین با توجه به شخصیت متهم و این که متهم شخص حقیقی است یا حقوقی و نیز توجه به حالات، رفتار وی در حین ارتكاب جرم و در نهایت مجازاتی که باید مقرر شود، اقدام به صدور قرار نظارت قضایی نماید.

۴-۱. ملاک اتهام

در قانون آیین دادرسی جدید مصوب ۱۳۹۲، مقنن همانگونه که برای قرار تأمین کیفری، امکان صدور را گویا برای تمام جرایم پذیرفته است، قرار نظارت قضایی هم می‌تواند در مقام تکمیل قرار تأمین کیفری در همه موارد صدور آن و بنا بر تشخیص مقام قضایی (بازپرس) صادر شود. البته بازپرس مکلف است تا در جهت صدور این قرار شرط تناسب با جرم ارتكابی را مدنظر قرار دهد و گرچه ضابطه تناسب مشخص نشده ولی به نوعی می‌توان به این نتیجه رسید که جرایم ارتكابی بایستی با قرار متناسب قلمداد شود و این امر در صدر ماده ۲۴۷ با قید «متناسب با جرم ارتكابی» مدنظر قرار گرفته است.

نکته دیگر نیز آن است که تدوین‌کنندگان قانون در تبصره یک ماده ۲۴۷ مقرر داشته‌اند که: «در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، در صورت ارائه تضمین لازم برای جبران خسارات وارده، مقام

قضایی می‌تواند فقط به صدور قرار نظارت قضایی اکتفاء کند.» از مفهوم مخالف این ماده و نیز از این رویکرد که به موجب آن فقط جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ را خارج نموده است می‌توان دریافت که قرار نظارت، مقید به تناسب در تمامی جرایم، خواه خفیف و خواه شدید ممکن الصدور است. (ایرانی، ۱۳۹۱: ۵۰)

لازم بذکر است که ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در این زمینه مقرر می‌دارد: «قرار تأمین و نظارت قضایی باید مستدل و موجه و با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد.» تبصره ماده ۲۵۰: «أخذ تأمین نامتناسب موجب محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالا است.»

مطلب دیگری که قابل ذکر است در این باره و به نوعی با جرایم موضوع قرار نظارت قضایی مربوط است، حالت تعدد جرایم است. در پرونده‌ای که تعدد جرایم مطرح است، ممکن است این سوال پیش آید که آیا صدور قرار نظارت قضایی بسنده می‌کند یا خیر؟ این مطلب ریشه در اختلاف نظری دارد که بر اساس آن در صدور قرار تأمین متعدد نسبت به جرایم متعدد اختلاف شده است. نتیجه این اختلاف نظر، علی‌الظاهر اینگونه است که در فرض مجزا بودن محاکم رسیدگی کننده، برای جلوگیری از بروز مشکلات بعدی، برای هر یک از جرایم ارتكابی متهم قرار تأمین جداگانه صادر می‌شود. (معاونت آموزشی و تحقیقات قوه قضاییه، ۱۳۹۲: ج ۱، ۴۵۸)

قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۲۱۸ مقرر نموده است: «برای اتهامات متعدد متهم، قرار تأمین واحد صادر می‌شود، مگر آنکه رسیدگی به جرایم ارتكابی در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های مختلف باشد که در این صورت برای اتهامات موضوع صلاحیت هر دادگاه، قرار تأمین متناسب و مستقل صادر می‌شود» با این وجود به نظر نگارنده نظر منطقی‌تر این است که خواه جرایمی در صلاحیت دادگاه مختلف باشند خواه نباشند، قرارهای تأمین متعددی صادر شوند تا آن که سرنوشت یک پرونده بر پرونده دیگر تأثیر نگذارد.

در همین حالات قرار نظارت قضایی به لحاظ منطقی و بر اساس اختیار مقام قضایی می‌تواند به طور مجزا نسبت به هر دو جرم صادر گردد. از جمله دلایل ارجحیت این نظر، از یک طرف لزوم رعایت تناسب موضوع ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است و از طرف دیگر تفاوت در جرایم است که یکی ممکن است صدور دستور منع رانندگی را اقتضا کند و دیگری ممنوعیت از نگهداری از سلاح، بی آنکه بر سرنوشت یکدیگر تأثیرگذار باشند. البته ممکن است در نظری مقابل

اینگونه استدلال شود که با توجه با ماهیت قرار نظارت، که نظارت و کنترل قضایی است، این ماهیت با یک قرار نظارت قضایی محقق خواهد شد و نیازی به صدور چند قرار نظارت نمی‌باشد؛ حال آن که دلایل سابق الذکر کماکان قوت داشته و از طرف دیگر نیز نمی‌توان بدون دلیل، اختیار مقام قضایی را در تشخیص اصل تناسب محدود نمود.

۲-۴. ملاک متهم

در صدور قرار نظارت قضایی، توجه به شخص موضوع این قرار تا اندازه‌ای مهم قلمداد می‌شود، قانونگذار در قالب لزوم تناسب یا اخذ تأمین متناسب با آن توجه نموده‌اند. بدین صورت که در ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تصریح شده است: «قرار تأمین و نظارت قضایی باید مستدل و موجه و با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد.» بدیهی است که این ابعاد شخصیتی در صدور قرار تأمین بسیار موثر می‌باشند. چنان چه وضع روحی فرد با مشکلات و بیماری‌هایی همراه باشد، مقام قضایی می‌تواند نسبت به وی دستور معرفی نوبه‌ای خود به مراکز و نهادهای خاص را صادر کند. (گلدوست جویباری، ۱۳۹۶: ۴۱)

بدین ترتیب توجه به ابعاد شخصیتی افراد موضوع صدور قرار نظارت از این نظر قابل توجه است که پاسخ این سوال، آن هم پس از صدور قرار نظارت قضایی، می‌تواند حداقل در جهت تبعیت از دستورات قرار نظارت حرکت یا خیر؟ با توجه به ویژگی غالب تکمیلی بودن قرار نظارت قضایی، سخن از اشخاص موضوع قرار نظارت، اندکی بحث برانگیز می‌گردد. توضیح آنکه، در صدور قرار تأمین کیفری آن چه اهمیت دارد، عمدتاً مقتضیات تحقیقی و تعقیبی و تضمین آن‌هاست. به عنوان مثال مقام قضایی علاوه بر صدور قرار کفالت بایستی بررسی کند که شخصیت متهم تا چه میزان می‌تواند به آن دستورات پایبند باشد؟ این که قرار نظارت به اختیار مقام قضایی واگذار شده است و برای صدور آن، مقام قضایی مکلف به بررسی و ارزیابی شخصیت متهم است، شاید باعث شود که از میزان توسل به قرار نظارت کاسته شود و این امر از مشکلات تکمیلی دانستن این قرار است. (ایرانی، ۱۳۹۱: ۶۱)

در قانون آیین دادرسی، اشاره‌ای به امکان صدور یا عدم صدور قرار نظارت قضایی نسبت به اشخاص حقوقی نشده است. این در حالی است که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به تبیین مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ماده ۲۰ و ۱۴۳ پرداخته است. بر همین اساس، با توجه به تفکیک در مسئولیت کیفری، اقتضاء داشت که تحقیقات مقدماتی این اشخاص و نیز قرارهای تأمین کیفری و

دستورات نظارتی که می‌توانند نسبت به آن‌ها صادر شوند به طور متفاوت پیش‌بینی شوند. شاید بتوان با توسل به عموماً قرارهای تأمین از قراری چون وثیقه نسبت به آن‌ها استفاده کرد ولی جزئیات آن نامشخص است، چرا که به عنوان مثال ممکن است این سوال پیش آید که اگر این شخص یا نماینده وی از تسلیم وثیقه امتناع کند صدور بازداشت موقت در مورد چه کسی مطرح خواهد شد؟^۱ از همین رو به نظر می‌رسد که صدور قرارهای تأمین و قرار نظارت قضایی نسبت به اشخاص حقوقی محل تردید بوده و نیاز به پیش‌بینی جزئیات آن در این قانون دارد. (ایرانی، ۱۳۹۱: ۵۱)

از جمله اشخاصی که تردید امکان یا عدم امکان صدور قرار نظارت قضایی در خصوص آن‌ها وجود دارد اطفال می‌باشند. آیا اطفال را می‌توان را تحت نظارت قرار داد یا خیر؟ در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ضوابطی در مورد قواعد این نوع نظارت در مورد کودکان پیش‌بینی نشده است.

تنها اشاره قانون آیین دادرسی کیفری را می‌توان در ماده ۲۸۷ یافت که مقرر می‌دارد: «در جریان تحقیقات مقدماتی، مرجع قضایی حسب مورد، اطفال و نوجوانان موضوع این قانون را به والدین، اولیاء، یا سرپرست قانونی یا در صورت فقدان یا عدم دسترسی و یا امتناع از پذیرش آنان، به هر شخص حقیقی یا حقوقی که مصلحت بداند، می‌سپارد. اشخاص مذکور ملتزمند هرگاه حضور طفل یا نوجوان لازم باشد او را به مرجع قضایی معرفی نمایند. افراد پانزده تا هجده سال نیز شخصاً ملزم به معرفی خود به دادگاه می‌باشند. در صورت ضرورت، أخذ کفیل یا وثیقه تنها از متهمان بالای پانزده سال امکانپذیر است...» براساس این ماده نظارت بر شخص طفل، به طور غیر مستقیم و با التزام اشخاص دیگر صورت می‌گیرد. ضروری بود تا الزاماتی که این اشخاص حقیقی و حقوقی باید رعایت کنند در قالب آیین‌نامه یا ماده‌ای در این جا پیش‌بینی می‌شد تا به نوعی ماهیت نظارت قضایی همسویی بیشتری داشته باشد. یکی از مهم‌ترین مبانی پیش‌بینی این قرار نسبت به این اشخاص همان امکان تأثیر بیشتر آن است.

۴-۳. ملاک مجازات

علاوه بر ملاک اتهام و ملاک متهم، می‌توان ملاک نوع مجازات را نیز مستند صدور قرار نظارت قضایی محسوب نمود. نکته‌ای در خصوص جرایم موضوع صدور این قرار اهمیت دارد و آن اینکه آیا

۱. در خصوص این که کفالت از اشخاص حقوقی قابل پذیرش است یا خیر؟ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در تبصره ماده ۲۲۱ جای تردید رو باقی نگذاشته و مقرر نموده است: «پذیرش کفالت اشخاص حقوقی با رعایت مقررات این ماده بلامانع است.»

نوع مجازات یعنی تعزیری، مستوجب حد، قصاص و دیه بودن، در توسل یا عدم توسل به قرار نظارت قضایی می‌تواند اثرگذار باشد یا خیر؟

در پاسخ به این پرسش، باید گفت که قرار تأمین کیفری، نسبت به تمامی جرایم و فارغ از نوع آن قابل صدور است، چرا که الزامات تحقیقاتی مبنا و فلسفه صدور قرار تأمین هستند. بنابراین، با توجه به این امر از یک طرف و با توجه به ماهیت تکمیلی بودن قرار نظارت، هر گاه قرار نظارت در مقام تکمیل قرار تأمین باش، نوع جرم اهمیتی ندارد. اما در خصوص جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، با عنایت به تبصره ۱ ماده ۲۴۷، تنها موردی است که قرار نظارت قضایی به تنهایی در جرایم تعزیری می‌تواند صادر شود.

در نتیجه می‌توان خلاصه کرد که جرایم مستوجب حد، قصاص و دیه به همراه جرایم تعزیری درجه یک تا شش موضوع قرار نظارت قضایی قرار می‌گیرند و این قرار در این جرایم، قراری تکمیلی است، ولی تنها و در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، این قرار، قراری مستقل است و جرایم مستوجب حد، قصاص و دیات نمی‌توانند مشمول این نوع قرار نظارت قضایی قرار گیرند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۲ علاوه بر قرارهای تأمین، قرارهای جدیدی به نام «نظارت قضایی» پیش‌بینی شده‌اند که می‌توانند به تنهایی یا به همراه قرار تأمین صادر گردند. با دقت نظر به مواد ۲۱۷ و ۲۴۷ این قانون می‌توان دریافت که تدوین‌کنندگان قانون، آن را به صورت ابزاری تبعی و تکمیلی پیش‌بینی نموده‌اند که می‌تواند در کنار برخی از قرارهای تأمین کیفری از سوی مقام قضایی صادر شود، گرچه به موجب تبصره ۱ ماده ۲۴۷ در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت مستقل بودن آن بیشتر تأمین گردیده است؛ قرار نظارت قضایی برای تکمیل اثر قرار تأمین کیفری و جلوگیری از ارتکاب جرم توسط متهم در قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۲۴۷ پیش‌بینی شده است. خاستگاه این نوع قرار در نظام دادرسی کیفری کشور فرانسه می‌باشد که به منظور کاهش قرار بازداشت موقت و به عنوان قرار جایگزین به وجود آمده است؛ اصلی‌ترین تفاوت میان ماهیت و شکل قرار نظارت قضایی در ایران و فرانسه، اصلی و مستقل بودن آن در فرانسه و فرع و تکمیلی بودن آن در ایران است؛ همین تفاوت بنیادین، تمایزهای دیگری بین رویکرد نظام حقوقی فرانسه و ایران نسبت به این قرار را موجب شده است؛ صرف نظر از اینکه پیش‌بینی قرار نظارت قضایی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در کشور ما، اقدامی بسیار پسندیده و حرکتی در راستای نظارت بیشتر

بر متهمان به منظور اصلاح و درمان و بازپروری آنها محسوب می‌شود اما به نظر می‌رسد استنباط تکمیلی بودن از این قرار در کشور ما برعکس کشور فرانسه، این قرار را از کارکردهای اصلی‌اش آنگونه که در کشور فرانسه شاهد هستیم دور ساخته است؛ زیرا زمانی که نظارت قضایی به عنوان تدبیری فرعی و تکمیلی قلمداد شود؛ نه تنها از هدف اصلی خود دور می‌شود بلکه بار مضاعفی بر دوش متهم خواهد بود که مغایر با حقوق انسانی او جلوه می‌کند؛ مقنن فرانسه با اتخاذ رویکردی روشن و دقیق، قرارهای تأمین کیفری را تحت عنوان قرار نظارت قضایی برشمرده و با استثنایی دانستن صدور قرار بازداشت، با تشخیص بازپرس یا قاضی آزادی‌ها و بازداشت فقط در مواردی که متهم از تکالیف و الزامات نظارت قضایی شانه خالی می‌کند، او را بازداشت می‌نماید؛ بنابراین شایسته است که در مقنن ایرانی نیز به جای تحمیل همزمان دو نوع قرار تأمین کیفری بر متهم به عنوان قرار جایگزین تدابیر سالب آزادی؛ از قرار نظارت قضایی استفاده نماید.

فهرست منابع

- ۱- آبن، مهدی؛ حقوق بزه‌دیده در فرآیند دادرسی ایران با تأکید بر لایحه آیین دادرسی کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه بهشتی، ۱۳۸۸.
- ۲- آشوری، محمد؛ تحول جایگاه دادرسی و ترافیکی شدن امر تعقیب در عدالت کیفری، مجموعه مقالات، نشر دادگستر، ۱۳۸۷.
- ۳- آشوری، محمد؛ مقدمه‌ای در مجموعه مقالات راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.
- ۴- احمدی موحد، اصغر؛ حذف دادرسی از علل تا نتایج، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۶، ۱۳۸۰.
- ۵- استفانی، گاستون، لواسور، ژرژ، فبولک، برنار، آیین دادرسی کیفری، ترجمه حسن دادبان، تهران، انتشارات علامه طباطبایی، جلد دوم، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۶- الله بداشتی سیاهکلرودی، عبدالله؛ قرارهای تأمین کیفری و نظارت قضایی در لایحه آیین دادرسی کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
- ۷- الهی منش، محمدرضا؛ بازداشت موقت و جایگزین‌های آن در حقوق ایران و فرانسه، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۹.
- ۸- ایرانی، امیر؛ قرار تأمین در آیین دادرسی کیفری فرانسه و ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه بهشتی، ۱۳۹۱.
- ۹- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۴.
- ۱۰-؛ نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۳.
- ۱۱- رحمدل، منصور، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ اول، تهران، دادگستر، ۱۳۹۳.
- ۱۲- شمس ناتری، محمد ابراهیم و دیگران؛ قانون مجازات در نظم کنونی، جلد اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲.
- ۱۳- غلامی، حسین؛ پذیرش فرهنگ زندان، مجله پژوهشی حقوق و سیاست، دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۷، ۱۳۸۱.

- ۱۴- فخارزاده، ژیلا؛ بررسی قرارهای تأمین و قرار نظارت قضایی در حقوق فرانسه و لایحه جدید آیین دادرسی کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
- ۱۵- گلدوست جویباری، رجب، کلیات آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۶.
- ۱۶- معاونت آموزشی و تحقیقات قوه قضاییه، مجموعه نشست‌های قضایی مسائل آیین دادرسی کیفری، جلد اول، انتشارات جاودانه، ۱۳۹۲.
- ۱۷- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید؛ دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۹۳.
- ۱۸- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ تقریرات درس تاریخ تحولات کیفری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۱.
- ۱۹- نیازپور، امیرحسن؛ تقریرات جرم‌شناسی، دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه بهشتی، ۱۳۹۰.
- ۲۰- یکرنگی، محمد و ایرانش، مهدی؛ کیفرهای اجتماع محور از نظریه تا عمل، مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید، شماره ۶۴، ۱۳۸۷.
- ۲۱- یکه زارع، حمیده؛ بررسی تطبیقی قرارهای نظارت قضایی در نظام دادرسی ایران و فرانسه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۴.
- ۲۲- Bouloc, Brnard, procedure penal, ۲۵ em edition, Dalloz, ۲۰۱۰.
- ۲۳- Guinchard, serge et Buisson, jacques, procedure penal, lexis nexis, ۱۰ edition, ۲۰۱۱.